

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت قطر»

(اعاده شده از شورای نگهبان)

مقدمه

به طور کلی انعقاد موافقتنامه‌های همکاری قضایی، انتقال محکومان و استرداد مجرمان و امثال آن بین ایران و سایر کشورها لازمه تمشیت امور قضایی ایران از جهت رفع موانع اجرای عدالت قضایی به جهت خارج بودن موضوع از قلمرو صلاحیت سرزمینی محاکم ایران و یا نبود امکان مادی اجرای آرای محاکم به جهت در دسترس نبودن مجرمان می‌باشد، لکن انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی از دو حیث واجد اشکال شرعی است. اولاً امور قضایی بر پایه اعتبارات بنیان نهاده شده و موضوعات و احکام ملاک عمل در این حوزه کاملاً تابع نظر قانونگذاران هر کشور است؛ بنابراین اولاً از جهت شرعی لازم است مراجع ذیربط در اعتبار این امور و مراجعی که به شناسایی موضوعات و اجرای احکام قضایی می‌پردازند دارای صلاحیت شرعی باشند، ثانیاً ضروری است قوانین مستند آرای قضایی از حیث عدم مغایرت با موازین شرعی مورد نظارت و بررسی فقهی قرار گیرند.

تحلیل ایراد شورای محترم نگهبان

۱. ماده (۶) این موافقتنامه مقرر داشته است: «طرف درخواست‌شونده پس از وصول درخواست استرداد به‌استثنای موارد مذکور در ماده (۳) این موافقتنامه اقدامات لازمه را طبق قوانین داخلی خود جهت دستگیری و بازداشت شخص مورد درخواست به‌عمل خواهد آورد».

اگرچه قید استثنای موارد مذکور در ماده (۳) ایراد شرعی الزام محاکم ایران به اجرای احکام مغایر موازین شرع را از این جهت که بخش ث بند «۱» ماده (۳) مقرر داشته «هرگاه طبق قانون یکی از طرف‌ها... جرمی که موجب درخواست شده از جهات قانونی قابل تعقیب نبوده یا حکم قابل اجرا نباشد، درخواست استرداد رد می‌شود» بنابراین هرگاه محاکم ایران با درخواستی مواجه شوند که جرم‌انگاری موضوع آن خلاف شرع باشد، می‌توانند به استناد اصل چهارم قانون اساسی از اجرای درخواست استرداد امتناع، لکن از دو حیث دیگر مغایرت با موازین شرعی همچنان موضوعیت دارد:

اولاً لازم است مجازات اعمالی نسبت به آن جرم نیز از حیث عدم مغایرت با موازین شرعی بررسی شود ثانیاً صرف‌نظر از موارد پیش‌گفته به‌نظر می‌رسد استرداد شخص مسلمان تبعه قطر به محاکم کشور قطر بدون بررسی لازم و احراز صلاحیت شرعی محاکم کشور قطر از حیث موازین شرعی مربوط به ولایت در قضا واجد اشکال خواهد بود.

۲. به موجب ماده (۹) موافقتنامه حاضر در صورتی که کشور درخواست‌شونده به استناد بند «۱» ماده (۳) از اجرای درخواست استرداد امتناع نماید می‌تواند در محاکم کشور خود به موضوع رسیدگی و متهم را در صورت ثبوت جرم، مجازات نماید حال آنکه مدلول این حکم می‌تواند در مواردی که محاکم کشور قطر از انجام درخواست استرداد از سوی محاکم ایران امتناع می‌کنند خود صلاحیت رسیدگی به موضوع را کسب نمایند که در این صورت موجب خواهد شد تا اولاً بدون بررسی لازم محاکم قطر واجد صلاحیت قضایی نسبت به تبعه ایرانی شناخته شوند و ثانیاً قوانین این کشور بدون بررسی و احراز عدم مغایرت با موازین شرعی ملاک عمل در رسیدگی واقع شود.

نتیجه‌گیری

بنابر مراتب فوق به نظر می‌رسد موافقتنامه حائز در کلیت خود از آن حیث که به تأیید صلاحیت شرعی محاکم قضایی کشور قطر و نافذ دانستن احکام این محاکم در قلمرو سرزمینی کشور ایران می‌انجامد و از جهت اینکه قوانین ماهوی و شکلی کشور قطر بدون احراز عدم مغایرت با موازین شرع ملاک عمل واقع می‌شود مغایر احکام و موازین اولیه شرعی خواهد بود، لکن در صورتی که نمایندگان محترم انعقاد این موافقتنامه را ضروری می‌دانند می‌توان با احراز عنوان ثانویه ضرورت، در راستای تأمین مصلحت ملزمه در تمشیت امور قضایی نسبت به تصویب این موافقتنامه اصرار کرد.